

آثار طلاق و ناهنجاری های روحی و شخصیتی فرزندان

منیره محمدزاده^۱

چکیده

از آنجایی که امروز در جامعه طلاق به عنوان یک معضل در جامعه پیش آمده در این مقاله در مورد چرایی طلاق، انواع طلاق و آثار نامطلوبی که بر فرزندان دارد را مورد بحث قرار می‌دهیم. خانواده متشکل از زن و مرد و فرزندان است، خانواده کانون اصلی تربیت فرزندان قرار دارد. از هم پاشیدگی خانواده و جدایی زن و مرد باعث به وجود آمدن آثار نامطلوب و ناهنجاری هایی در جامعه می‌شود. طلاق انواعی دارد که به دو دسته تقسیم می‌شود: (۱) طلاق عاطفی (۲) طلاق رسمی طلاق رسمی به سه صورت قابل اجرا است که در این مقاله به آن پرداخته می‌شود. (۱) طلاق به درخواست زوج (۲) غیبت زوج (۳) طلاق توافقی
کلیدواژه‌ها: طلاق - طلاق عاطفی - خانواده - طلاق رسمی.

۱- شیراز، طلبه سطح دو، حوره فاطمه الزهرا (سلام الله علیها).

مقدمه

در اسلام همانگونه که ازدواج را به عنوان یک پیوند مقدس و دارای کارکردهای فردی، اجتماعی ضروری، مورد تأکید فراوان قرار می‌دهند، طلاق را فی نفسه امری منفور و ناپسند می‌داند و تمام کوشش خود را در جهت پرهیز خانواده‌ها از طلاق به کار می‌بیند ولی در مواردی که مصالح بهتر ایجاد کند، ممنوعیتی برای طلاق قائل نشده است. (کریمی، ۱۳۹۴، صص ۳۰ و ۴۱)

خانواده متعهد، بدون تردید یک عامل ثبات و سازگاری اجتماعی است. طلاق و از هم پاشیدگی خانوادگی در میان جمعیت کیفری شایع تر و گسترده تر از جمعیت کلی است و میزان طلاق معیاری برای سنجش تزلزل اجتماعی است. (کی نیا، ص ۲۹)

طلاق عاطفی پیامدهای بسیاری نیز به همراه دارد. از جمله به میزان تأثیرات مخرب آن بر روی فرزندان مواجهه با مشکلات روحی، رفتاری، افسردگی، حقارت و سردرگمی است. (صادق خانی، صلاحی، ۱۳۹۵، ص ۱۸)

چرایی طلاق:

در بررسی های انجام شده و تحقیقات به دست آمده، ۱- سن ازدواج و اختلاف سن زوجین
۲- عوامل اقتصادی ۳- وضعیت تحصیلات ۴- تعداد فرزندان بیشترین متغیرهای مستقلی بودند
که به عنوان عوامل مؤثر بر طلاق مورد بررسی قرار گرفته اند.

نتیجه علل بازشناسی شده در این پژوهش به لزوم توجه به موضوع کنترل آسیب های اجتماعی
به ویژه مواد مخدر، توجه به سطح رفاه اجتماعی و اهمیت مدیریت تغییرات اجتماعی اشاره دارد.
(کلانتری، روشنفکر، جواهری، ۱۳۹۰، ص ۱۵۲)

بر اساس تحقیق ها و پژوهش های انجام شده عواملی چون، میزان امنیت اقتصادی، ارضاء
نیازهای عاطفی، احساس تعلق به خانواده، پابندی دینی، همسان همسری، تفاهم زناشویی، اعتماد
به همسر می تواند در افزایش و کاهش طلاق تأثیرپذیر باشند. (عنایت، نجفی اصل، زارع، ۱۳۹۳،
ص ۲۲)

انواع طلاق:

۱- طلاق رسمی:

اطلاق ایقاعی است که با قصد و رضای زوج یا نماینده قانونی وی صورت می گیرد و موجب
انحلال رابطه زناشویی می شود به پیروزی از فقه در قانون مدنی سه نوع طلاق به شرح زیر وجود
دارد.

الف) طلاق به درخواست زوج: مطابق ماده ۱۱۲۴ م.ق مرد می تواند هر وقت که بخواهد زن
خود را طلاق دهد. همچنان مردی که می خواهد زن خود را بدون دلیل طلاق دهد موظف به
رعایت و پرداخت، کل حقوق مالی به نرخ روز (جهیزیه، نفقه و ...) است.

ب) غیبت زوج: مطابق ماده ۱۰۱۱ م.ق غائب مفقود الاثر کسی است که از غیبت وی مدت
زیادی گذشته و به هیچ وجه خبری از او نباشد. اجازه صدور حکم زوج غایب را در موردی قرار
داده است که از تاریخ آخرین خبری که از حیات وی رسیده مدتی گذشته باشد. پس از صدور
حکم فوت فرضی زوج غایب، زوجه باید عده وفات نگه دارد. (اسدی، ۱۳۸۳، ص ۱۱۷)

ج) طلاق توافقی: در طلاق توافقی زوجه با بذل قسمتی از حقوق مالی خود (مهریه، جهیزیه،
نفقه) یا مال دیگری زوج را راضی به اجراء صیغه طلاق می نماید در نوع طلاق که می توان از نوع
خلع یا مبارات باشد.

(د) **طلاق خلع**: طلاق خلع آن است که زن به واسطه کراهتی که از شوهر خود دارد و در مقابل مالی که به شوهرش می‌دهد طلاق بگیرد.

(ه) **طلاق مبارات**: آن است که کراهت از طرفین باشد. ولی در این صورت عرض باید زاید بر میزان مهر نباشد. (همان، ص ۱۲۱)

عسر و حرج زوجه از زندگی مشترک

در صورتی که دوام زوجیت، موجب عسر و حرج زوجه باشد، می‌تواند به حاکم شرع مراجعه کند و تقاضای طلاق نماید چنانچه عسر و حرج مذکور در محکمه ثابت شود، دادگاه می‌تواند زوج را مجبور به طلاق کند. (همان، ص ۱۱۹)

شرایط اعمال آن به شرح زیر است:

(الف) موجود بودن سبب عسر و حرج در زمان درخواست طلاق

(ب) عسر و حرج زوجه با توجه به وضعیت مادی - روحی - روانی و شخصیت زوجه احراز گردد.

(ج) دائم بودن رابطه زوجیت.

عسر در مقابل یسر به معنای تنگی و دشواری (سباح، ۱۳۷۳، ج ۲، ص ۱۰۴۹)

حرج در مقابل عسر به معنای تنگدستی و سختی. (معین، ج ۱، ص ۲۸۴)

۲- طلاق عاطفی:

خانواده واحدی با ابعاد گوناگون است که به دلیل اهمیت و جایگاه ویژه اش از دیرباز مورد توجه دانشمندان اجتماعی بوده است. طلاق عاطفی به عنوان انتخابی نفرت انگیز بین تسلیم و نفرت از خود تجربه می‌شود، که در هریک زن و شوهر به دلیل احساس غمگینی و ناامیدی دیگری آزار می‌دهد. همسران جای صیانت از یکدیگر در جهت آزار و ناکامی و تنزل عزت نفس یکدیگر عمل می‌کنند و هریک به دنبال یافتن دلیل برای اثبات عیب و کوتاهی و طرد یکدیگر هستند. (لعل زاده، ابراهیم آبادی حصارسرخ، ۱۳۹۳، ص ۱۰۳)

عوامل خانوادگی مشخص گردید که اختلاف سطح خانوادگی در زمینه های فرهنگی، اقتصادی می‌تواند تأثیر مثبت بر ایجاد شکاف عاطفی میان زن و مرد داشته باشد. (رشید، حسنونند، بنی زواده، ۱۳۹۸، ص ۱۳۷)

می‌توان گفت که بسیاری از عواملی که امروزه سبب طلاق عاطفی و جدایی زن و شوهر می‌شود، به ناتوانی یک یا هر دو در پذیرش و اجرا و مسئولیت برمی‌گردد که به عنوان همسر، مادر، پدر یا یک بزرگسال بر عهده آنها گذاشته شده است.

به طور کلی با توجه به افزایش میزان طلاق واقعی که بسیاری از موارد برآیند طلاق عاطفی است. امروزه ساختار خانواده با مشکل جدی رو به رو شده و میزان طلاق عاطفی بیشتر از طلاق واقعی (رسمی) است که به دلیل گوناگون فرهنگی، اجتماعی، خانوادگی به سراغ طلاق رسمی نمی‌روند (رشید، مرادی، ۱۳۹۶، ص ۱۲۸)

طبق نظریهٔ دلبستگی، افراد هنگام برقراری رابطه نزدیک و صمیمی یکی از سه سبک دلبستگی را می‌پذیرند:

۱- ایمن ۲- اجتنابی ۳- مضطرب

الف) دلبستگی ایمن: با میل به قدردانی، توجه و فکر کردن خود به خاطر افراد نزدیک و مهم ارتباط دارد.

ب) دلبستگی اجتنابی: با فقدان دلبستگی و علاقه نسبت به افراد مهم و نزدیک همراه است.

ج) دلبستگی مضطرب: دو سوگرا در روابط صمیمانه خود احساس ناامنی و حسادت می‌کند. (صادق خانی، صلاحی، ۱۳۹۵، ص ۷۶)

بر اساس این نظریه، تنش در روابط با عدم امنیت دلبستگی ارتباط دارد، هنگامی که امنیت دلبستگی مورد تهدید قرار می‌گیرد، عصبانیت اولین پاسخ است. این عصبانیت اعتراضی در مقابل از دست دادن دلبستگی ایمن است.

اگر چنین اعتراضی منجر به پاسخ‌دهی نشود، ممکن است با ناامیدی و فشار توأم شود و به صورت یک استراتژی مزمن برای کسب و حفظ الگوی دلبستگی درآید. قدم بعدی، کند و کاو و جستجو است که بعداً منجر به افسردگی و ناامیدی می‌شود. اگر همه این اقدامات شکست بخورد، رابطه دچار مشکل می‌شود و جدایی رخ می‌دهد.

رخداد‌های تروماتیک یا آسیب‌زایی که به پیوند بین زوجین صدمه می‌زنند و اگر برطرف نشوند، باعث نگهداری چرخه‌های منفی و ناامنی در دلبستگی می‌شوند. این رخدادها هنگامی اتفاق می‌افتند که یک زوج نمی‌تواند در لحظه نیاز فوری به دیگری پاسخ دهد، چرخه‌های منفی مربوط به دلبستگی، مخصوصاً ترک کردن‌ها، خیانت‌ها، اغلب باعث وارد آمدن آسیب همیشگی به روابط نزدیک می‌شوند. (صادق خانی، صلاحی، ۱۳۹۵، ص ۷۷)

شاخصه‌های سنخ‌شناسی طلاق:

طلاق عقلانی جاه طلبانه ← رهایی از قفس زندگی، رسیدن به آرزوها، تغییر در کیفیت زندگی، آسان شدن رفت و آمد، مختار بودن در زندگی

نظریه افسردگی تاپیر:

طلاق و جدایی والدین در گرایش بزهکاری فرزندان تأثیر دارد. پسران و دختران جوانی که به سبب طلاق پدر و مادر را از دست می‌دهند از درون دچار خلاء و کمبود عمیق می‌گردند که ممکن است با دریافت محبت کمتری از جانب مادر به علت حجم شدید مسئولیت‌های جدید به کم شدن اعتماد به نفس در نتیجه افسردگی منتهی شود و در کودکان باعث از دست دادن قدرت ابتکار و بروز ناامیدی و درماندگی شود. (همان، ص ۷۸)

اکثریت قریب به اتفاق فرزندان طلاق احساس اندوه، سرشکستگی، خشم، گناه، تضاد می‌شوند هنگامی که چنین احساساتی به شیوه‌ای سالم و مفید ابراز و پذیرفته نشود، نگاه فرزند به خود و دیگران دچار آسیب می‌شود. به همین دلیل است که دهها سال پس از جدایی والدین، هنوز فرزندان طلاق از آن به عنوان مخرب‌ترین رویداد کودکی یاد می‌کنند. (گری تیومن، مانوسکی، ۱۳۸۵، ص ۳۴)

آثار روحی و روانی طلاق بر فرزندان:

سطح اضطراب و افسردگی در فرزندان طلاق بیشتر است. از نظر سازگاری فردی و اجتماعی، فیزیکی، سازگاری در منزل، سازگاری کلاً شخصیت بین فرزندان طلاق و عادی تفاوت وجود دارد. تأثیرات طلاق روی فرزندان، سن و سال، مهارت‌های مقابله، طلاق و توانایی پدر و مادر در طلاق گرفته و رفتار با فرزندان بستگی دارد. این فرزندان با دنیایی از اضطراب، خشم، افسردگی، به احتمال زیاد با احساس تحقیر و نگاه به این پیش‌آمد ناگوار مواجه‌اند. (کشاورز معظم، ۱۳۹۸، ص ۱۰)

طلاق یک پدیده روانی است، زیرا تعادل روانی نه تنها در انسان، بلکه فرزندان، دوستان، بستگان و نزدیکان آن تأثیر می‌گذارد. از طرفی طلاق یک پدیده اقتصادی است به این معنا که هم می‌توان خانواده را به عنوان یک واحد اقتصادی برپای دارد و هم به این معنا که یک عامل اقتصادی مانند (مقدار درآمد خانواده) و به طور کلی فقر موجب از هم گسیختگی خانواده می‌شود و اساس تولید مثل یعنی خانواده از هم پاشیده می‌شود. از طرفی بر کیفیت جمعیت نیز اثر دارد و موجب می‌شود فرزندان محروم از نعمت خانواده، تحویل جامعه گردند که به احتمال زیاد فاقد شرایط لازم در راه احراز مقام شهروندی یک جامعه‌اند. (همان، ص ۱۱)

آسیب‌های اجتماعی:

از دیگر مسائل آسیب‌های اجتماعی که از هم گسیختگی خانواده و نزاع درون آن، برای

کودکان همراه دارد، گسترش کودکان، رفتارهای انحرافی، فرار کودکان، خودکشی، کار خیابانی، مصرف مواد مخدر و الکل است.

برخی از بزهکاران جوان متعلق به خانواده هایی هستند که دچار تعارض و کشمکش های خانوادگی و اختلالات روانی و رفتاری هستند. وجود این گونه تنش ها در خانواده می تواند آنها را وادار به فرار از خانه کند تا با گروه بزهکاری همکاری کنند.

آمار نشان می دهد بیشتر جرم و بزهکاری های کودکان و نوجوانان ریشه در مسائل و مشکلات خانوادگی و طلاق دارد. تحقیقات انجام شده در مورد علل بزهکاری کودکان نشان می دهد کودکان طلاق از امنیت روانی و عاطفی برخوردار نبوده و وجود جانشین مادر در محیط خانواده منجر به ناسازگاری، انحراف و فرار کودک از محیط خانواده می شود. (زمانی زارچی، غلامعلی لواسانی، صمدی کاتبان، ۱۳۹۷، ص ۱۰۱)

از نظر اسلام طلاق آخرین راه مداوای ناسازگاری زن و شوهر می باشد. اسلام معتقد است اگر راهی برای جدایی زن و شوهر نباشد زندگی ایشان دشوار و عذاب آور خواهد بود و ممکن است نتایج ویران کننده ای مثل خودکشی، فساد و قتل داشته باشد.

در دین مبین اسلام، ازدواج پیوند مقدسی می باشد که اثرات فردی و اجتماعی قابل توجهی بر آن مترتب است. بدین سبب از فروپاشی و برهم زدن چنین میثاق غلیظی اظهار نگرانی شده و طلاق به عنوان نهایی ترین راهکار در اختلاف خانوادگی محسوب می شود. (حاتمی کاسوایی، پارسان، ۱۳۹۴، ص ۱۴۰)

نتیجه گیری

از آنجایی که کلمه طلاق بار منفی دارد و به معنای از هم جدا شدن زن و مرد و فروپاشی یک خانواده است، خداوند در قرآن کریم در سوره طلاق به این امر اشاره کرده اند و آیات و روایات زیادی در این باره آمده است که رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) می‌فرمایند: «مَا أَحَلَّ اللَّهُ شَيْئاً أَبْغَضَ إِلَيْهِ مِنَ الطَّلَاقِ؛ خداوند هیچ چیزی را که نزد او منفورتر از طلاق باشد، حلال نکرده است.» اما باید توجه داشت هرچند که این امر باعث می‌شود عرش الهی به صدا دربیاید اما خداوند آن را حرام نکرده و در بعضی مواقع که زوجه مورد آزار و اذیت و عسر می‌شود مهمترین راه می‌تواند جدایی باشد.

زن و مرد باید سعی و تلاش خود را کنند که مشکلاتشان را حل کنند و از بزرگترها و مشاوره ها برای اداره بهتر زندگی در زمان سختی استفاده کنند، تا از به وجود آمدن این امر جلوگیری بشود. اما در همین طلاق درس های بزرگی از زندگی، استقلال، عزت نفس وجود دارد که می‌توان به فرزندان آموخت از اشتباهاتشان درس بگیرند و از طرفی والدین قبل از تصمیم به جدایی باید روش مقابله با این اتفاق زندگی را به فرزندان آموزش بدهند و از مشاوره کمک بگیرند تا فرزندان با درک بیشتری از این بحران عبور کنند.

فهرست منابع

* قرآن کریم

مقالات:

۱. اسدی، لیلا، نقد قانون قضایی در اجراء طلاق، نشریه مطالعات راهبری زنان، ۱۳۸۳.
۲. حاتمی کاسوایی، وحید، پارسیان، محمدرضا، بابارئیسی، محمد، طلاق و رضایت زناشویی، انتشارات آذرخش، ۱۳۹۴.
۳. حقیقیان، منصور، هاشمیان فر، سیدعلی، آقابابایی، عزیزالله، سنخ شناسی طلاق و پیامدهای اجتماعی آن، نشریه جامعه شناسی کاربردی، ۱۳۹۷.
۴. حیدری خراسانی، محمدجواد، کریمی لویی، محمود، بررسی اقسام طلاق نسبی و به معنای اعم، از منظر فقه و حقوق اسلامی، ۱۳۹۸.
۵. رحمتی، اعظم، یوسف زاده، محسن، نقش آموزه های دینی در افزایش هوش هیجانی همسران در معرض طلاق، همایش ملی قرآن و روانشناسی دوره یک.
۶. رشید، خسرو، حسنونند، فضل الله، نبی زاده، صفدر، بررسی عوامل برونی فردی مؤثر بر طلاق عاطفی در میان زنان، مطالعات زنان در خانواده، ۱۳۹۸.
۷. رشید، خسرو، مردادی، آزاده، تعیین نقش متغیرهای ارتباطی در پیش بینی طلاق عاطفی، پژوهش های جامعه شناسی معاصر، ۱۳۹۸.
۸. زمانی زارچی، محمدصادق، غلامعلی لواسانی، مسعود، صمدی کاشانی، سحر، فرزندان طلاق، انتشارات بنیاد قلم، ۱۳۹۷.
۹. شکریگی، عالییه، بررسی رابطه بین طلاق و بزهکاری فرزندان، ۱۳۸۵.
۱۰. صادق خانی، مرجان، صالحی، علی اکبر، طلاق عاطفی و اثرات آن بر فرزندان، ۱۳۹۵.
۱۱. عنایت، حلیمه، نجفی اصل، عبدالله، زارع، صادق، بررسی عوامل مؤثر بر طلاق زودهنگام، پژوهش های جامعه شناسی معاصر، ۱۳۹۰.
۱۲. کریمی، سحر، علل و عوامل طلاق در جامعه، پژوهش ملل، ۱۳۹۴.
۱۳. کشاورز معظم، معصومه، آسیب های طلاق بر فرزندان، انتشارات جالیز، ۱۳۹۸.
۱۴. کلانتری، عبدالحسین، روشنفکر، پیام، جواهری، جلوه، مرور سه دهه تحقیقات «علل

طلاق در ایران» انتشارات مطالعات راهبردی زنان، ۱۳۹۰.

۱۵. کی نیا، مهدی، طلاق یکی از عوامل جرم زاست، مهنامه قضایی.

۱۶. گری تیومن، مانوسکی، مترجم: فرناز فرود، تأثیرات طلاق بر فرزندان، صابرین، فقه و حقوق معاصر، ۱۳۸۵.

۱۷. لعل زاده، لیلا، اصغر، ابراهیم آبادی، محمدجواد، حصارسرخ، ربابه، بررسی نقش

طرحواره های ناسازگاری اولیه و پیش بینی طلاق عاطفی روانشناسی بالینی، ۱۳۹۴.